

## ارزیابی فرقه دموکرات عامیون در مجلس دوم مشروطه در رساله تنقید فرقه اعتدالیون<sup>۱</sup>

(شوال ۱۳۲۸)

فائزه السادات حسینی\*

میرهادی حسینی\*\*

### چکیده

پس از فتح تهران و استقرار دوباره نظام مشروطیت تلاش برای روند نوسازی قوت گرفت. بدین سبب احزاب دموکرات و اعتدالیون روش‌های متفاوتی را در مرامنامه‌ایشان مطرح کردند که موجب اختلاف در میان آنان شد. چنان‌که برنامه ضعیف اعتدالیون مقابل اندیشه‌های آزادی‌خواهانه و مساوات‌طلبانه دموکرات‌ها، که از ارکان تحول اقتصادی-اجتماعی مرامنامه آنان به‌شمار می‌رفت، قرار گرفت. بنابراین، محمد امین رسول‌زاده با پیشنهاد سوسیالیستی در قفقاز و از رهبران فرقه دموکرات به‌منظور نقد و بررسی مرامنامه اعتدالیون، این موضوع را در رساله «تنقید فرقه اعتدالیون»، بر اساس مواضع ماتریالیسم تاریخی پرداخت تا ارتباط منافع طبقه حاکم با قالب سیاسی را تشریح نماید. بدین ترتیب، با توجه بر گردآوری اسنادی داده‌ها و معرفی یک رساله حزبی دارای ایدئولوژی مارکسیستی، روش توصیف و تبیین به‌کار رفته است. حاصل آن‌که رسول‌زاده با ناکارآمد خواندن برنامه اعتدالیون، قصد

\* کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی (نویسنده مسئول)، fs.hosseini.ac@gmail.com

\*\* استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی، hosseini@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲

بیان نابودی مناسبات ارباب‌رعیتی را داشت که این امر، با مرام‌نامه دموکرات‌ها یکسان بود.

**کلیدواژه‌ها:** رسول‌زاده، ماتریالیسم تاریخی، مناسبات ارباب‌رعیتی، مجلس دوم، فرقه دموکرات عامیون، تنقید فرقه اعتدالیون

## ۱. مقدمه

پس از برقراری مجدد حکومت ملی، رهبران مشروطیت به‌موجب اجرای اصلاحات در کشور برنامه‌هایی را ارائه دادند که در روش سیاسی باهم متفاوت بود (ملک‌زاده، ۱۳۷۳، ج ۶، ۱۳۲۸). این اختلاف به ساختار اقتصادی بازمی‌گشت که اشراف بر آن به‌واسطه مالکیت بر زمین و رعیت تسلط داشتند (یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۲۸). آنان که بازوی فکری و عملی شاه بودند می‌توانستند به القای سیاست‌های خود در دولت پردازند تا منافع‌ایشان را از گزند آسیب‌ها حفظ، و پایدار نمایند. اکنون این طبقه حتی با خلع محمدعلی شاه هم‌چنان رأس قدرت را داشتند و با پوشش مشروطه‌خواهی در پی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ایران بودند (همان: ۱۲۹-۱۳۰). از این‌رو، در فرقه "اعتدالیون" مقاصدشان را یافتند و در مرام‌نامه تک‌برگی خود تنها به کلیاتی از آزادی و ترقی اکتفا کردند. ولیکن به تشریح سیاست‌هایشان در مجلس نپرداختند و این تبدیل به موضوعی برای دموکرات‌ها شد تا رقیب‌ایشان را به چالش بکشانند. بنابراین ضمن پرداختن *ایران‌نو* به ماهیت و مواضع اعتدالیون، رسول‌زاده نیز با گرایش‌های سوسیالیستی، پیشینه حزبی و مطبوعاتی که در قفقاز داشت توانست رساله «*تنقید فرقه اعتدالیون یا اجتماع‌یون/اعتدالیون*»<sup>۱</sup> را قلم زند. بدین ترتیب که با ورود خود به حلقه رهبری فرقه "دموکرات"، کاستی‌ها و عدم قابلیت برنامه "اعتدالیون" را برای مردم عیان ساخت تا بر درستی نظرات گروه خود صحه بگذارد (حسین پرویز به حسن تقی‌زاده، ۱۸شوال ۱۳۲۸، تهران، مندرج در کتاب *نامه‌های مشروطیت و مهاجرت، ۲۰۲-۲۰۳*). این اقدام در زمانی بود که روزنامه مذکور، ارگان رسمی "فرقه دموکرات" به‌شمار نمی‌رفت و تنها ابزار آنان، رساله رسول‌زاده بود (همان، ص ۲۰۴؛ *ایران‌نو*، سال دوم، ۱۸ربیع‌الأول ۱۳۲۹، ش ۱۲۰، ۱). از سویی دیگر، او به‌منظور تبیین پیدایش طبقات و مردم از مواضع ماتریالیسم تاریخی استفاده می‌کرد تا توده را از حقوق خود، به‌ویژه آزادی و مساوات در قالبی قانون‌مند آگاه نماید. این نگاه، در آثار مورخانی هم‌چون «*فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*» از آدمیت و «*پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت در*

**مجلس اول و دوم مجلس شورای ملی**» از اتحادیه، غالباً به صورت تشریح ارتباط مضامین سوسیالیستی با اعتدالیون دیده می‌شد.<sup>۳</sup>

ما نیز برای روشن‌تر شدن ابعاد موضوع، سوال «چگونه رسول‌زاده مواضع ماتریالیسم تاریخی را در مسیر مبارزه با اعتدالیون ترسیم می‌نماید؟» را طرح کردیم تا بنا بر فرضیه تحقیق، نگرش مارکسیستی رسول‌زاده را نسبت به نقش طبقه حاکم در نهاد سیاسی مجلس تبیین نمائیم. این امر می‌تواند در راستای دستیابی ما بر آرای رسول‌زاده درباره لزوم وجود گروهی دموکراتیک و تأثیر آن بر تدوین قوانین مساعدت کند. از این‌روی، در ابتدا ما به منظور توصیف تاریخی این مبحث به نظرات گروه "سوسیال‌دموکرات تبریز" درباره انقلاب مشروطه و ساختار جامعه ایران پرداختیم تا بازتاب آنان را در پیدایش فرقه "دموکرات" و ماهیت مرامنامه‌ایشان نمایان سازیم. سپس به تحلیل مواضع ماتریالیستی رسول‌زاده در گزارش‌های وی از ماهیت مشروطیت ایران پرداختیم تا گامی جهت روشنایی نقاط مبهم و نامشخص رساله وی شود. بدین واسطه توانستیم بر تبیین روند مباحث ماتریالیستی آن در اثبات فرقه دموکرات، برای تکیه بر کرسی‌های مجلس تأثیرگذار باشیم.<sup>۴</sup>

## ۲. مسئله مناسبات تولید در ایران

شاید نامه‌های اعضاء "گروه سوسیال‌دموکرات تبریز"<sup>۵</sup> به گنورکی پلخانف<sup>۶</sup> و کارل کائوتسکی<sup>۷</sup> از اولین مدارک موجود سوسیالیستی می‌باشد که در موضوع شناخت ماهیت انقلاب ایران و مشارکت در آن، از مضمون نوع نیروهای مولد و مناسبات حاکم بر تولید برخوردار است.<sup>۸</sup> از این‌روی، آرشاور چلنگریان به جهت اهمیت اتخاذ تاکتیک مناسب در همایش ۲۰ رمضان ۱۳۲۶، نامه‌ای به کائوتسکی ارسال کرد. در این نوشتار، وی با عنوان کوشش گروه بر «ترویج اصول مارکسیسم»، به وضعیت اقتصادی ایران در قالب عدم وجود «صنایع سرمایه‌داری» و «پرولتاریای صنعتی» اشاره نمود که موجب دو بینش متضاد نسبت به کنش سیاسی سوسیالیست‌ها در انقلاب می‌شد (چلنگریان به کائوتسکی، ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶، تبریز، ایران، مندرج در کتاب *نقش ارمنه در سویال‌دموکراسی ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۵)*، ۸۰-۸۱). چلنگریان برای کائوتسکی آنان را شرح داد و در توصیف یکی از نگرش‌ها درباره روابط نیروهای تولیدی پرداخت که:

جنبش مترقی است زیرا علیه طبقه فئودال است و این جنبش به علت استثمار توده‌ها از سوی زمینداران پدید آمده است. جنبش بورژوازی بزرگ و کوچک (نه صنعتی بلکه

تجاری) علیه مالکان بزرگ ارضی است که از طریق احتکار کردن، مردم را در فقر نگه داشته و از توسعه تجارت جلوگیری می‌کند. اینان در دفاع از نظرشان این واقعیت را گوشزد می‌کنند که با وجود مبارزه علیه سرمایه‌داری خارجی، واردات کالاهای اروپایی طی سال‌های ۱۹۰۶-۱۹۰۷.. افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. (همان: ۸۱-۸۲).

این قسم از اندیشه سوسیالیست‌های گروه، برای کائوتسکی پیام‌هایی داشت: (۱) ساختار اجتماعی ایران بر بنیان زمینداری بزرگ می‌باشد که با مالکیت بر محصول و رعیت، توده را در تنگ‌دستی می‌گذارد. (۲) از سویی دیگر با هجوم کالاهای خارجی، افزون‌بر ضربه به دهقانان کوچک، نقش سرمایه‌داران شهری در تحرک بخشی به بازار داخلی کاسته می‌شود. در نتیجه، می‌توان برداشت کرد که ایران با شکل‌گیری تضاد در روابط طبقه ملاک یا فئودال با نیروی مولد یعنی دهقانان و تأثیر منفی ورود محصولات اروپایی بر عناصر بازار، می‌تواند شاهد یک انقلاب آزادی‌خواهانه باشد (رواسانی، ۱۳۶۳: ۹۹).

ترسیم این فرایند در نامه، تاحدودی با هسته اقتصادی ایران هم‌خوانی داشت زیرا با تأیید حق مالکیت بر زمین توسط ناصرالدین شاه در ۱۳۰۶ قمری، باعث واگذاری بخشی از املاک خالصه به شاهزادگان یا حکمرانان شد که ماحصل آن تقویت مالکیت خصوصی و تضعیف دهقانان کوچک بود (شاکری، ۱۳۸۴: ۷۰). در این میان تجار نیز با مغتنم شمردن موقعیت، وارد جرگه ملاکان بزرگ شدند و با سرمایه‌گذاری بر محصولات پرسیود و برقراری کارگاه‌های دستی کنار زمین، سعی در سلطه بر شیوه تولید داشتند (همان: ۱۰۰-۱۰۱). ولیکن با قدرت‌یابی سیاست‌های خارجی همانند تسلط بانک‌ها، امتیازها و ورود مصنوعات اروپایی، تجار توانایی غلبه بر این مناسبات پیدا نکردند و دچار اضمحلال در بازارهای جهانی و حتی داخلی شدند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۶۹-۷۰). بدین ترتیب، زمینداری جایگاهی اساسی در روابط اقتصادی ایران داشت که با ورود اشراف و تجار در آن، بیشترین آسیب بر دهقانان وارد می‌آمد. با تشریح این دیدگاه، کائوتسکی نیز در ماه‌های منتهی به برگزاری جلسه پاسخی همانند بینش مذکور در گروه سوسیال‌دموکرات تبریز را داد. گواين که وی، وجود نظام استبدادی را فرزند این نوع مناسبات تولیدی می‌پنداشت که عاملی برای تضادهای طبقاتی و گسترش سرمایه خارجی بود (کائوتسکی به چلنگریان، ۱۳۲۶، دراوی، فرانسه، مندرج در کتاب *نقش ارامنه در سوسیال‌دموکراسی ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۵)*، ۸۴-۸۵). زیرا کائوتسکی این حکومت را نماینده و حافظ منافع طبقه فئودال می‌پنداشت که ابزار و نیروهای تولید را در دست داشت تا سلطه ظالمانه خود را

تداوم بخشید (بشیریه، ۱۳۹۳: ۳۲). براین اساس، می‌توانیم نگرش او را نسبت به انقلاب ایران چنین دریافت کنیم که نابودی حاکمیت استبدادی برابر با پایان استعمار توده توسط طبقه ملاکان و سیاست‌های اروپایی، یا به عبارت دیگر خط بطلانی بر مناسبات فئودالی بود (کائوتسکی به چلنگریان، ۳ رجب ۱۳۲۶، مندرج در کتاب *نقش ارمنه در سویال دموکراسی ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۵)*، ۸۵). چنان‌که این موضوع در اقتصاد کشور نمایان بود و حتی با تضعیف قدرت مرکزی در اوایل دوره مشروطه، بهره‌کشی زمینداران از رعیت تشدید می‌یافت و از رونق بازار داخلی می‌کاست؛ در نتیجه آنان به وجهی از تخاصم مقابل حاکمیت سوق پیدا می‌کردند. ولیکن کائوتسکی این انهدام را بنابر عملکرد مارکس در انقلاب ۱۸۴۸ آلمان، نیاز به آگاهی طبقاتی و تلاش برای حفاظت از منافع استثمارشوندگان می‌دید که در این حالت، شاهد شکل‌گیری جنبش دموکراتیک و حضور سوسیالیست‌ها در آن بودیم (همان‌جا). در صورتی که جامعه ایران مفهوم تضاد طبقاتی را به معنای اروپایی نداشت و همین مسئله در همایش "گروه سوسیال دموکرات تبریز" تبدیل به نحوه مشارکت متفاوت در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران شد. بدین معنی که آنان نتایج تغییر در نیروهای مولد و مناسبات اقتصادی را در شیوه تکامل تولید تشریح می‌نمودند. سرانجام این موضوع نیز، گروه را منقسم به دو گرایش سوسیال دموکراسی و دموکراتیک در جلسه ۲۰ رمضان ۱۳۲۶ کرد.

جریان سوسیال دموکراسی نیروی کار را به جهت ورود ایران به مرحله سرمایه‌داری، شامل طبقه پرولتاریا و بورژوازی می‌پنداشت تا بنابر تشکیلات سوسیالیستی، به سازماندهی کارگران و آموزش آگاهی طبقاتی به آنان پردازد (صورت جلسه ارسالی گروه "سوسیال دموکرات تبریز" به پلخائف، ۲۰ رمضان ۱۳۲۶، تبریز، همان، ۹۹). علی‌رغم این‌که جبهه دموکراتیک، ایران را به تازگی در مسیر سرمایه‌داری حاضر می‌دید و مناسباتی در قالب پرولتاریا و بورژوازی دریافت نمی‌کرد؛ از این روی، زمان فعالیت سوسیالیستی را مناسب نمی‌پنداشت و خواستار مطالبه‌های دموکراتیک بود (همان: ۱۰۰-۱۰۱). این خواسته‌ها، از نیروهای تولیدی شامل رعیت و دهقانان کوچک نشأت می‌گرفت که در روابط اقتصادی خود با فئودال یا زمینداران بزرگ و خرده‌مالکان، مورد تعدیات فراوان واقع می‌شدند. چنان‌که در نامه تیگران درویش (ترهاکوپیان) به پلخائف مورخ ۹ ذی‌القعدة ۱۳۲۸، می‌توان این تحلیل را در چارچوب نابودی پشتیبان این مناسبات، یعنی نظام استبدادی استنباط نمود که با انهدام آن، شیوه تولید در ایران تغییر می‌یافت (نامه درویش به پلخائف،

۹ ذی القعدة ۱۳۲۸، همان، ۱۱۰-۱۱۱). بنابراین با وجود شناخت مناسب گرایش دموکراتیک از نیروهای مولد و شرایط تولید، برنامه جناح سوسیال دموکراسی، به اکثریت آراء در جلسه برتری یافت. ولیکن این جبهه دموکراتیک بود که توانست در سازماندهی و مشارکت سیاسی در حاکمیت جدید، به موفقیت دست یابد.

اکنون با فتح تهران و برنامه مشروطه خواهان جهت پیشرفت و نوسازی مملکت، زمان برای آنان مناسب بود تا اهداف خود را اجراء نمایند. جناح دموکراتیک طرح خود را با برقراری مجدد مجلس بنیان گذاشت تا مطالبات آزادی خواهانه مردم را در سایه قانون، جامه عمل بپوشاند. از سویی دیگر برخی از رهبران مشروطه هم چون تقی زاده، چنین دغدغه ای را داشتند؛ بدین شکل که با استفاده از ابزار مجلس، ساز و کاری را برای تحدید قوه مجریه به کار برند و به صورت کلی قانون را بر روابط اجتماعی حاکم فرمایند. ولیکن به منظور محافظت از اهداف خود، نیاز به یک فرقه سیاسی داشتند که این موضوع برای جبهه مذکور و رهبران مشروطه یک نقطه مشترک به شمار می رفت. چنان که می توانیم از فحواي نامه های ورام پیلوسیان، یکی از نمایندگان جناح دموکراتیک، به تقی زاده آن را دریابیم (شاکری و دیگران، ۱۳۸۲: ۵۱ تا ۵۶<sup>۹</sup>). در آنان، از رهنمودها به جهت سازماندهی گروه و تدوین مرام نامه آغاز می گشت و تا معرفی افراد برای بهبود روند کار تداوم می داشت که در تمام نامه ها هدف، دست یابی فرقه سیاسی بر اکثریت کرسی های مجلس بود. از این روی، احتمال می رود که با حضور رسول زاده در تهران و درج خبر همکاری با روزنامه *ایران نو* در این ایام، فعالیت وی با فرقه دموکرات عامیون رقم خورده باشد (ترقی، شماره ۱۸۳، ۱۲ شعبان ۱۳۲۷، مندرج در کتاب گزارش هایی از انقلاب مشروطیت ایران، ۳۰۳<sup>۱۰</sup>).

### ۳. نگرش ماتریالیستی رسول زاده نسبت به مشروطیت ایران

فعالیت سیاسی محمد امین رسول زاده با عضویت در حلقه مطالعاتی "همت"، مورخ ۱۹۰۳ م. آغاز شد. این گروه به جهت تبلیغ در میان مسلمانان و سوق دادن ایشان به مبارزه با نظام تزاری، از اعضای متفاوت سیاسی- عقیدتی تشکیل می یافت که به عضویت برخی از افراد در کمیته باکوی حزب "سوسیال دموکرات کارگری روسیه" باز می گشت (رئیس نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۳). در این میان، رسول زاده تنها به برخی اصول مارکسیسم علاقمند بود و پیوستگی ای با حزب مذکور و کمیته باکوی آن نداشت (سویتو خوفسکی، ۱۳۸۱: ۶۴). اقدامات وی با سردبیری *همت*، ارگان گروه افزایش یافت که قصد اصلی آن بیشتر،

بررسی مطالبات دموکراتیک مردم همانند استبداد و دیوانسالاری تزار، گسترش آموزش عمومی، بهبود وضعیت زنان و... بود (رئیس نیا و دیگران، ۱۳۸۹ الف: ۵۵). در سال ۱۹۰۵ م با تبدیل گروه "همت" به سازمان، رسولزاده از رهبران آن شناخته شد (یزدانی، ۱۳۹۲: ۸۲). حال، به سبب سابقه مطبوعاتی در نشریه همت و وجهه مهم سازمانی جز چهره‌های شاخص به شمار می‌رفت. از جمله آنان، فعالیت در مقام سردبیری و یا گروه نویسندگی روزنامه‌های دعوت قوچ<sup>۱۲</sup>، تکامل<sup>۱۳</sup> و یولداش<sup>۱۴</sup> بود (حسینی، ۱۳۹۷: ۲۷). مقارن با این زمان، رسولزاده در نشریه‌های لیبرال منش ارشاد<sup>۱۵</sup> و ترقی<sup>۱۶</sup> نیز قلم می‌زد که سردبیری آنان را احمد آقاف، لیبرالیست چپی به عهده داشت (همان‌جا). این روزنامه‌ها با رعایت اصل تساهل موجب جذب دیگر اعضای "همت" هم چون نریمان نریمانوف و عزیز بیکوف و... شدند که فرصتی، برای ترویج آرمان سوسیالیستی ایشان به شمار می‌رفت (رسولزاده، ۱۳۷۷: ۲۱). گو این که رسولزاده با گرایش‌های سوسیالیستی، برای تبیین انقلاب و اجتماع ایران، از آن تا حدودی استفاده برد تا به تلاش ملت جهت دستیابی به آزادی و قانون در روزنامه‌های ارشاد و ترقی بپردازد. بدین ترتیب از تنها منبع فارسی موجود در این زمینه، کتاب «گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران» ترجمه رحیم رئیس نیا استفاده کردیم تا نوشته‌های وی را بر بنیان ماتریالیسم تاریخی تحلیل و بررسی نمائیم. زیرا به نظر می‌رسد که رابطه مفاهیم به کار رفته در نگرش رسولزاده با مواضع ماتریالیسم تاریخی را می‌توان در دو وجه استنباط کنیم: ۱) تأثیر قاطع و تعیین کننده پایه مناسبات تولید در ماهیت و نهاد سیاسی. ۲) نقش فرد در تاریخ. بر این اساس، ما می‌بایست در ابتدا به فهم رسولزاده از روابط اقتصادی موجود بین طبقه حاکم بر نعمات مادی و توده بپردازیم؛ سپس نگرش وی را درباره جامعه و میزان آگاهی مردم از حضور در انقلاب مشروطه را تشریح سازیم تا بر لزوم وجود مجلس آزاد و قانون‌مند، در گزارش‌ها و مقاله‌های تحلیلی وی دست یابیم. جهت نیل به این مقصود، شاید تصویری از صحنه سیاسی و اجتماعی ایران به هنگام آغاز حرکت مشروطه‌خواهی در نوشته‌های رسولزاده، به واکاوی ما مساعدت نماید:

به شنیدن نام ایران در نظر هرکس هیبتی متصور می‌شود مخروبه، با سکنه‌ای بی‌حس، بی‌خبر از حقوق و قانون و صبور و متحمل در برابر هر تعدی و ظلمی... به گفتن ایران در دل هرکس یک بیشه ظلم و استبداد عاری از قهرمانان ملی پلنگ‌دل مجسم می‌گردد.. زیرا که کشور و ملت ایران بدبخت تحت تضییق و استبداد وزرا، امرا، ملقب‌الممالک‌ها و خوانین، چنان پراکنده و چنان پریشان شده که به چیزی جز ویرانه

تسمیه‌اش نمی‌توان کرد... تاریخ هر مملکتی را که از نظر می‌گذرانیم می‌بینیم که نهضت‌ها به‌طرزی حرکت‌آفرین و به‌شکلی رویهم‌رفته مشابه ظهور یافته‌اند. ... حوادثی که در فرانسه دیده شده بود، امروز در روسیه خودنمایی می‌کند. وقایع ظهور یافته در روسیه هم در حال انعکاس در ایران است. (ارشاد، ۱۲ جمادی‌الأول ۱۳۲۴، ش ۱۴۵، مندرج در کتاب گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران، ۳۵-۳۴).

در این برداشت کوچک، ما می‌توانیم چند گزاره دریافت کنیم: (۱) وی، توده مردم را رعایا و دهقانان به‌شمار می‌آورد. (۲) بهرکشی از آنان توسط حاکمان و اربابان به‌سبب عدم حاکمیت متمرکز تشدید می‌شود. (۳) حضور نخبگان سیاسی در جهت هدایت افکار مردم الزامی است چراکه با توجه به شرایط عینی جامعه و تکامل ضروری آن در تاریخ، شاهد تولید این نوع شخصیت‌ها هستیم. (۴) برای این اساس، انقلاب یک امر جبری در تمام جوامع است که گروه‌های ضعیف اجتماع موجب سرنگونی نیروهای ارتجاعی، قدرت‌یابی طبقه جدید و درنهایت ورود به مرحله بالاتر می‌شوند. به‌عبارت دیگر، این توده مردم هستند که در مقام نیروی کار نقش اساسی در تولید و بقای یک جامعه دارند و معیار تغییر و تکامل در جامعه، به‌سوی مرحله بالاتر اجتماعی هستند (مارکس، به‌نقل از فیشر و مارک، ۱۳۹۴: ۱۳۸-۱۳۹). البته این مسئله، به‌سطح آگاهی آنان در تولید مادی وابسته است که موجب مناسباتی غیر ارادی در بین انسان‌ها می‌شود ولیکن باوجود عنصر تعیین‌کننده‌ای به‌نام مالکیت خصوصی بر وسایل تولید همانند زمین و ابزار، روابط در قالب استثمارگری عنوان خواهد شد (مارکس، به‌نقل از لنین، ۱۳۸۷: ۸۶-۸۵). بنابراین باوجود مناسبات بهره‌کشی در تولید، پیشروی نیروهای مولد با موانع روبه‌رو می‌شود که وجه تولید آن، فئودالیسم و نهادهای سیاسی مرتبط با این نظام، پادشاهی مطلق یا استبداد است (مارکس، به‌نقل از بشیریه، ۱۳۹۳: ۲۸۵). این نوع حاکمیت، سبب تحکیم و حفظ اقدامات استثمارگریانه ملاکان به دهقانان می‌شود و اجازه افزایش آگاهی‌ایشان در قبال تضييع حقوق آنان نمی‌دهد. براین اساس، می‌توان تحلیل اجتماعی رسول‌زاده را در قبل از حدوث انقلاب مشروطه بدین‌گونه به‌شمار آورد که علت اصلی صف‌آرایی مردم مقابل حکومت استبدادی، ضربه بر پوستین سیاسی گروه حاکم بر نیروهای مولد بود تا شاید با تغییر در روبنای سیاسی، تأثیر مثبتی بر مناسبات تولید فئودالی اعمال نماید (ارشاد، ۸ جمادی‌الأول ۱۳۲۴، ش ۱۵۹، مندرج در کتاب گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران: ۳۸-۳۹). اما با برقراری دولت مشروطه



رسولزاده هم چنان تضييع حقوق و ظلم به «رعایا» و «فقراي دهاتی» را از سوی حاکمان پایدار می‌دید؛ چنان‌که نوشت:

اگر اکثریت نمایندگان مجلس ملی از آزادی خواهان باشند، می‌توان ایران را در جرگه کشورهای آزاد به‌شمار آورد. والا اگر از ماضی پرستان و طرفداران حکومت استبدادی باشند، در آن صورت باز یوغ را آماده کرده، ملت را دوباره به قید و بند ظلم و تعدی گرفتار خواهند کرد... (ارشاد، ارجب ۱۳۲۴، ش ۱۸۶، همان: ۴۴).

این بیش، بیان‌گر منافع طبقه زحمتکش یعنی دهقانان بود که قصد تأثیر قاطع و نقش فعال در تحول جامعه و نابودی روابط تولید پیشین را داشت؛ چنان‌که این مسئله در ماتریالیسم تاریخی نیز به صورت تعامل روبنای سیاسی با ساختار اقتصادی مطرح بود (انگلس، به نقل از بشیریه، ۱۳۹۳: ۲۸۶). زیرا این عنصر دارای نقش تاریخی فعال و مهم در جهت منافع نیروهای اجتماعی یا ارتجاعی، توانایی تسریع یا کند کردن رشد جامعه را داشت (همان: ۲۸۷). بدین خاطر می‌توان گفت که رسولزاده خطری از جانب حکومت جدید در حفظ طبقه حاکم بر نیرو و ابزار تولید احساس می‌کرد؛ چنان‌که در ماه‌های آینده، با درج خبر پرتاپ بمب از سوی یک دهقان به خان کرمانشاهی آنرا استنباط کرد:

در حقیقت هم دهقان ایرانی که اسیر دست ارباب است، آیا به آن حد از آگاهی و دراکه رسیده است که برای رهایی خود از عسرت و هرج و مرج زندگانی به بمب توسل جوید... وانگهی در سخن «فقط گرسنگان وجود دارند» حقیقتی نهفته است، انقلاب کدام مملکت است که از اوضاع اقتصادی مایه نگرفته باشد؟ بلی. ایرانی‌ها گرسنه‌اند. این حقیقت را کسی نمی‌تواند انکار کند. اما مگر گرسنگی مانع خواستن آزادی دفع‌کننده گرسنگی است؟ و یا برعکس، مگر این گرسنگی مردم را به چاره‌جویی وادار نمی‌کند؟ مگر لازمه رهایی از چنگال این گرسنگی دفاع از آزادی نیست؟ اگر هست، پس براساس کدام منطق در آزادی خواه بودن ایرانیان تردید می‌شود؟ (ارشاد، شماره ۲۷۲، ۲۲ شوال ۱۳۲۴، ش ۲۷۲، مندرج در کتاب گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران: ۴۶۴۵).

از سویی، به نظر می‌رسد که رسولزاده قصد بیان عدم آمادگی مشروطیت در قبال آگاهی و آموزش رعایای روستایی، با مفهوم آزادی و قانون را نیز داشت؛ یا به عبارتی دیگر، شرایط ذهنی انقلاب را برای دهقانان در حالت نقصان می‌پنداشت. این کمبود، در مقاله‌های

رسولزاده به ایفای نامناسب نقش روشنفکران و رهبران در سازماندهی و هدایت مردم بازمی‌گشت، چنان‌که این مسئله را در شماره‌های آینده روشن کرد:

اکنون وقت آن است که احرار ملت و مجاهدان حریت، که به‌علت یک هجوم ناگهانی دستخوش نومیدی و بدبینی شده از وطن دور افتاده‌اند، در هر جا که باشند، اگر در دستشان آب هم باشد، گذاشته برای یاری به ایران شتاب کنند. وظیفه رسیدن به باب ظفر گشوده شده به‌روی ایران را تنها به‌عهده مجاهده و شجاعت ستارخان سردار و قوه غیرت و حمیت اهالی تبریز باز گذاشتن برای آن‌ها دشوار و سنگین خواهد بود. در این ساعت برای این قهرمانان که در میدان مجاهده جانشان می‌گدازد، یآوری و یاوران معنوی لازم است. این وظیفه را باید نمایندگان ملت، چون تقی‌زاده‌ها که به اروپا گریخته‌اند، به‌عهده گیرند. آن‌ها باید به‌مدد فضایل و دانش و ادراک خود و آشنایی‌شان به اوضاع و احوال ایران و آگاهی‌شان به‌تواریخ ملل و دول دیگر در مبارزه امروزی ملت نقش راهبر و راهنما را ایفا کنند (ترقی، ۲۶ رمضان ۱۳۲۶، ش ۷۲، همان: ۷۲-۷۳).

بدین ترتیب، در تحلیل اجتماعی رسولزاده صحبت از نفوذ شخصیت‌ها در تأمین نیازهای توده بود که به‌نظر، استفاده از مواضع ماتریالیسم تاریخی در آن آشکار بود. زیرا از یک تکامل تاریخی در مناسبات آنان با مردم سخن می‌گفت که به‌موقعیت نیروهای مولد و ساختار اقتصادی جامعه ایران بازمی‌گشت. این شرایط عینی برای رسولزاده با حضورش در روستاهای اطراف ارومیه از ۹ ربیع‌الأول تا اواسط شعبان ۱۳۲۷، رقم می‌خورد که شامل حکومت «ملوک الطوائفی» و روابط تولید اربابان با رعایای روستایی، در ایام «بی‌قانونی» و کاهش قدرت مرکزی بود (ترقی، ۱۶ جمادای‌الثانی ۱۳۲۷، ش ۱۳۷، همان: ۱۸۶-۱۹۰). در نتیجه، این روند برای وی یک تکامل تاریخی به‌شمار می‌رفت که رهبران و روشنفکرانی همانند ستارخان و تقی‌زاده در جهت عمل به این دسته از قوانین، پرورش می‌یافتند. از این‌رو در ماتریالیسم، حدود استعدادها و ویژگی‌های آنان تنها در تطابق یا عدم تطابق فعالیت شخصیت‌ها با قوانین عینی تکامل در اجتماع دخالت می‌داشت (پلخانف، بی‌تا: ۵۳). بنابراین، پیشنهاد رسولزاده به‌منظور ارائه یا افزایش آگاهی دهقانان نسبت به قانون و آزادی در ماهیت حکومت مشروطه بود تا با آمادگی این شرایط ذهنی، تأثیر قاطعی بر مناسبات تولید ایران بگذارد.

اکنون رسولزاده با فتح تهران و ورود خود به پایتخت در اواسط رجب ۱۳۲۷، هم‌چنان گزارش‌ها و مقاله‌هایش را بر محوریت نهاد سیاسی و اندیشه‌های مرتبط با آن تداوم می‌داد.

اما این مباحث، جنبه نوسازی حاکمیت و اصلاح مجلس در تدوین قوانین استخدام مستشاران خارجی و استقراض پول متمرکز می‌شد؛ بدین ترتیب دوباره نقش روشنفکران در این مسائل آشکار می‌گشت که از مصادیق آن، چاپ روزنامه و معرفی «مدبّرترین» نامزدها برای مجلس بود (همان، ۲۵ رجب ۱۳۲۷، ش ۱۷۰، ۲۶۸؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۷، ش ۱۶۹، ۲۶۴؛ ۳۰ رجب ۱۳۲۷، ش ۱۷۳، ۲۷۳). از سویی، با توجه بر توصیف این اقدامات می‌توان در این زمان، از آشنایی رسول‌زاده با بنیان‌گذاران "دموکرات-عامیون" سخن گفت. چنان‌که سرانجام خبر همکاری مستقیم خود را در انتشار روزنامه جدید *ایران‌نو*، به خوانندگان *ترقی* داد (همان، ۱۲ شعبان ۱۳۲۷، ش ۱۸۳، ۳۰۳).

#### ۴. ارتباط فرقه دموکرات با مفهوم «تکامل» در رساله تنقید فرقه اعتدالیون

بنابر اسناد و شواهد موجود می‌توان گفت که رسول‌زاده در اوایل شعبان ۱۳۲۷، با بنیان‌گذاران گروه سیاسی "دموکرات-عامیون" آشنا شد؛ چنان‌که در شماره‌هایی از *ترقی*، به مصادیقی از آنان دست یافتیم. در این جریان یکی از مهم‌ترین افراد سیدحسین تقی‌زاده بود که آغاز آن، به سفر او به قفقاز در هنگام بازدید از دفتر روزنامه *شروق روس* و دیدار با رسول‌زاده باز می‌گشت (تقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۶). بعدها در مقاومت تبریز نیز، رسول‌زاده با وی در باکو مصاحبه‌ای درباره وقایع شهر و رشادتهای ستارخان ترتیب داد و سپس با فتح تهران و ورود تقی‌زاده به پایتخت، گزارشی ویژه از این رویداد را به خوانندگان *ترقی* ارائه کرد (تقی، ۸ شعبان ۱۳۲۷، ش ۱۸۰، مندرج در کتاب *گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران: ۱۳۲۵*). مقارن با این ایام، پیلوسیان نامه‌هایی به منظور جذب افراد و سازماندهی فرقه به تقی‌زاده می‌نوشت تا با توجه به تأمین مطالبات دموکراتیک مردم در نهاد سیاسی مجلس، آنان را موظف به جذب افرادی جهت هدایت افکار عمومی در انتخابات نماید (شاکری و دیگران، ۱۳۸۲: ۵۱-۵۲-۵۳). بنابراین به نظر می‌رسد که رسول‌زاده در این زمان به فرقه "دموکرات" پیوست و نقش بزرگی را نه تنها در *ایران‌نو* بلکه در تشکیلات ایفا نمود. زیرا براساس نامه‌های موجود فعالان گروه به تقی‌زاده، می‌توان رسول‌زاده را به دلیل قدرت نفوذ کلام در اذهان عمومی از رهبران گروه دموکرات به‌شمار آورد؛ یکی از این نوشتارها، نامه حسین پرویز (طهرانی) به تقی‌زاده بود که از نشر «*تنقید فرقه اعتدالیون*» و تاثیر قلم وی در تخریب مرام‌نامه اعتدالیون می‌پرداخت (حسین پرویز به حسن تقی‌زاده، ۱۸ شوال ۱۳۲۸، تهران، ص ۲۰۲-۲۰۳؛ احمد استوار به تقی‌زاده، ۱۶ برج جوزا ۱۳۲۹، تهران، مندرج در کتاب

نامه‌های مشروطیت و مهاجرت: ۲۷۱-۲۷۲). این اثرگذاری برای رسول‌زاده در دو وجه تعریف می‌شد: (۱) نقد و بررسی مرام‌نامه اعتدالیون جهت اثبات کاستی‌ها و ضعف‌ها در نوسازی حکومت و جامعه. (۲) صحنه‌گذاری بر اهداف حزب دموکرات. بدین حال، رساله خود را براساس «قانون تکامل» به دو بخش اجتماعی و سیاسی منقسم می‌کرد که در بینش کلی پژوهشگر، رسول‌زاده ارتباط احزاب را با تدوین قوانین در مجلس عینیت می‌بخشید. به عبارتی دیگر، رسول‌زاده همان تحلیل پیشین خود را نسبت به مجلس در قالب نهاد حفاظتی از منافع طبقه حاکم داشت که در این ایام، تبدیل به گروهی سیاسی می‌شدند تا مناسبات استثماری ارباب‌رعیتی را ادامه دهند (رسول‌زاده، ۱۳۲۸: ۱۷۶؛ / ایران‌نو، سال اول، ۲۹ شعبان ۱۳۲۷، ش ۱۹، ۲). ولیکن وی این اقدام‌ایشان را با حضور فرقه "دموکرات"، «پارتی جماعت و عامه مملکت» که به دنبال اشاعه اندیشه‌های آزادی‌خواهانه و مساوات‌طلبانه در نوسازی اجتماع بود، به فنا می‌پنداشت (رسول‌زاده، ۱۳۲۸: ۸۲). چراکه دموکرات‌ها و به‌ویژه رسول‌زاده، با نادیده انگاشتن این عناصر در برنامه‌های مرام‌نامه اعتدالیون، تحول اقتصادی-اجتماعی مشاهده نمی‌کردند. این پیشرفت برای آنان نیز، همانا نابودی «اساس پوسیده استبداد و فئودالیسم» بود که در مرام‌نامه "دموکرات" مفهوم انقلاب را داشت ( / ایران‌نو، سال دوم، ۱۸ ربیع‌الأول ۱۳۲۹، ش ۱۲۰، ۱؛ مرام‌نامه فرقه سیاسی دموکرات ایران، ۱۳۲۹: ۵-۴). عبارتی که رسول‌زاده با روش ماتریالیسم تاریخی آن‌را در اولین بخش رساله خود، ذیل رابطه تحول پیش‌رونده تاریخی با رشد تضادهای درونی نظام‌ها توصیف می‌کرد (رسول‌زاده، ۱۳۲۸: ۶۱-۶۲). در این امر، حکومت پادشاهی حافظ منافع «طبقات ممتاز» بود که با گسترش افراد جامعه و تأمین نیازهای آن، موجب انتقال اقتدار قدرت مرکزی یا «حقوق پدری» به اعیان و نابودی حقوق عامه در اداره مملکت می‌شد؛ از این‌رو، رسول‌زاده پدیده «انقلابات خونین» را در تاریخ «تمام دول مشروطه و جمهوری امروزه اروپا»، به‌عنوان «قانون تکامل» جهانی می‌خواند (همان: ۶۲-۶۳). اکنون هم‌چنین ایران «بالطبع تابع جریان عمومی عالم بوده محکوم اقتضائات قانون تکامل می‌باشد... و... «حقوق پدری» شاهان از دایره اعیان مملکت و اشراف دولت و خاندان سلطنت گذشته به حال ملت هم شامل می‌شود.» (همان: ۶۴).

بدین ترتیب، رسول‌زاده انقلاب را به‌جهت یک حرکت دائمی روبه‌جلو، محوریتی در تضاد منافع حاکم و محکوم می‌دید که از رشد هیئت اجتماعی نشأت می‌گرفت و موجب نفی غیرارادی حکومت موجود می‌شد. این تفسیر، در ماتریالیسم تاریخی نیز به‌صورت

تولید برپایه نیازهای مادی انسان‌ها و تأمین آنان بود که سبب مناسباتی بین افراد و تکامل جوامع در هر مرحله از صورت‌بندی اجتماعی-سیاسی خود می‌شد (مارکس، به نقل از فیشر و مارک، ۱۳۹۴: ۱۹۲). ولیکن عنصر تعیین‌کننده این روابط اشکال مالکیت بود که در جمله‌های آغازین رساله، «مالکیت خصوصی» را مورد هدف قرار می‌داد تا شاید در ورای متن خود، وی خیر از مبارزه بین طبقات اشراف و مردم دهد (مارکس، به نقل از بشیریه، ۱۳۸۲: ۲۷؛ رسول‌زاده، ۱۳۲۸: ۶۱). جدالی که آشکارا در ماتریالیسم تاریخی مرتبط با پیشرفت نیروهای مولد بود و مناسبات تولید حاکم با سلطه بر آنان و ابزار کار، شیوه تولید فئودالیسم را پدید می‌آوردند. این مسئله در بخش اجتماعی رسول‌زاده جنبه آشکار نداشت چراکه او بر اشکال حقوقی و سیاسی فئودالیسم، یعنی «پارتی محافظه‌کاری» متمرکز می‌شد تا «مقاصد استبدادی» آنان را در قالب «اعیان مشروطه‌پرور» نشان دهد (رسول‌زاده، ۱۳۲۸: ۶۸-۶۵). بنابراین، به نظر می‌رسد که وی با استفاده از سیر تکامل مادی در تاریخ جهت پیدایش طبقات، به نوعی قصد آگاهی عامه درباره ماهیت اعتدالیون را داشت. چنان‌که در شماره‌های سال اول *ایران‌نو*، با تبیین ارتباط آنان و ساختار حاکم بر اقتصاد ایران، به آزادی و مساوات برای طبقات زحمت‌کش و رنجبر پرداخت. مفاهیمی که به عصر روشنگری تعلق داشتند و علی‌رغم تضاد متقابل، وجود قانون‌گذاری برای حل آنان به‌شمار می‌رفت (یزدانی، ۱۳۸۶: ۱۲۸). در *صویر اسرافیل* نیز، این عناصر با موضوع زمینداری و روابط استثماری از شماره‌های ۱۷ تا ۳۰ به کار رفتند تا توسط قانون و مجلس، آلام دهقانان بررسی شود (همان: ۱۳۰ تا ۱۴۸). در این راستا، مقاله‌های مذکور حتی به زنجیر منافع ملاکان با اشکال سیاسی کشور اشاره‌هایی گذرا داشتند؛ اما هدف آنان، تشریح موقعیت اقتصادی ایران و راه‌های برون‌رفت از این بحران‌ها بود (همان: ۱۳۶).

اکنون با برقراری مجدد مشروطیت و تحلیل این مسائل از زاویه روابط اجتماعی در *ایران‌نو*، محوریت بر واکاوی کنش اشراف و واکنش مردم قرار می‌گرفت که اندیشه‌ها و گروه‌هایی را در عرصه جدید سیاسی پدید می‌آورد. در این مقاله‌ها به‌ویژه «فرقه‌های دست‌راست»، «طرز حرکت فرقه‌های سمت‌راست» و «اشکالات فرقه‌های دست‌چپ» شاید تأثیر مواضع مارکسیستی را در قالب نوعی «از خودبیگانگی» بتوان اثبات کرد (*ایران‌نو*، سال اول، ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸، ش ۱۹۵، ص ۱؛ ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸، ش ۱۹۶، ص ۱؛ ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸، ش ۲۰۰، ص ۱-۲). زیرا با شکل‌گیری مناسباتی مبنی بر مالکیت و استثمار، دیگر فرد «رنجبر و زحمتکش» حاصل کار خود را متعلق به گروه معینی می‌پندارد که امری اجباری است؛

در نتیجه منجر به روابط خصمانه بین «کارکن و کارده» می‌شود (همان، ۱۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۷، ش ۱۰۲، ۱-۲). بنابراین، نشریه همراه با توضیحات ماتریالیستی از تقسیم اجتماعی کار و پیدایش طبقات ممتاز و رعایا در جامعه، خبر از یک تخاصم در آینده نزدیک را می‌داد که ترقی در ساختار ایران به دنبال داشت (همان، ۲۹ شوال ۱۳۲۷، ش ۶۵، ۱؛ مارکس، به نقل از فیشر و مارک، ۱۳۹۴: ۸۲-۸۱). این تحول، نوید آزادی و مساوات بود که در بخش دوم رساله رسول‌زاده با نقد مواضع سیاسی و اجتماعی مرام‌نامه اعتدالیون همراه می‌گشت. موضوعی که از افزودن نام عامیون به اعتدالیون نشأت می‌گرفت و رسول‌زاده برای آن نوشت:

.. این‌ها با فئودال‌ها، خان‌ها و ملاکین که از سرمایه‌دار به درجاتی در نظریات ترقی‌پروانه پائین‌تر می‌باشند اتحاد و اتفاق دارند در حالی که مشروطیت با موجودیت فئودالزم و خان‌خانی هرگز قابل ائتلاف نیست و در جاهایی که تتمه فئودالزم موجود است تاریخ به ما نشان می‌دهد که سوسیالیست‌ها با سرمایه‌داران (بورژواها) یکی بوده برضد آنان جنگیده‌اند زیرا برای آن‌که زمینه مستعدی برای تبلیغات مقاصد سوسیالیزی مهیا شود حاکمیت اصول سرمایه‌داری از ملزومات به‌شمار است. در مملکتی که سرمایه‌داری نیست در مملکتی که هنوز به معیشت قرون وسطی روزگار می‌گذراند در مملکتی مثل ایران سوسیالزم یک خیالی است بی حقیقت و آیا تعجب نیست که دارندگان املاک زیاد و صاحبان رعایای غیرآزاد خود را اجتماعیون بنامند؟ (رسول‌زاده، ۱۳۲۸: ۷۴).

با این توصیف از خاستگاه اقتصادی اعتدالیون و ارتباط آن با مبادی قدرت، مناسبات اربابی، دیدگاهی مساوات‌طلبانه و آزادی‌خواهانه برای مردم قائل نبود. چنان‌که رسول‌زاده با استناد به عبارتی از مرام‌نامه اعتدالیون، این موضع را آشکار کرد: «ما اهالی ایران که از برکت مذهب اسلام پیرو یک دین و معتقدین یک آئینیم بالطبع گوهر اتحاد و اتفاق را واجد بوده‌ایم.» (همان: ۷۵). بدین ترتیب، نه تنها دیگر فضایی برای ادیان مختلف در نظر نمی‌گرفتند بلکه زمینه جهت وجود نظرات و گروه‌های متفاوت سیاسی نیز فراهم نبود (همان: ۷۶). چراکه اعتدالیون احیای مشروطیت را درگرو کوشش‌های مسلمانان می‌دیدند و حاکمیت را متعلق به آنان می‌پنداشتند؛ ولیکن رسول‌زاده با اهمیت به جنبه حقوقی و سیاسی آن، مشارکت تمام مردم را در تعیین وضعیت مملکت، شرط پیروزی معرفی می‌کرد (همان: ۷۷). به دنبال این مسئله، دیگر به بهانه وحدت ملت، مجوزی برای بیان آرای متنوع داده نمی‌شد و

تمام مردم می‌بایست از یک خط پیروی می‌کردند. در این صورت، اعتدالیون «حریت سیاسی را قوت‌آکسیری» می‌شمردند که قابلیت رفع «تضاد منافع اقتصادی و اجتماعی» داشت «و تمام ملت را به یک پارتی متحد» مبدل می‌ساخت (همان: ۷۸). گوا این‌که، *ایران‌نو* خطر این برداشت را در مقاله «فرقه‌های پلتیکی» چنین هشدار داد: «... محال است که تمام مردم در باب یک مسئله عقیده واحدی داشته، یک مسئله را تعقیب کنند و واضح است که از اختلاف عقاید .. طریق مستقیم بدست آمده و حل مسأله بهتر می‌شود که گفته‌اند بارقه موفقیت از مصادمه افکار بیرون می‌آید.» (ایران‌نو، سال اول، ۱۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۷، ش ۷۶، ۱).

اعتدالیون با این فهم از آزادی، امتیاز اساسی به دموکرات‌ها می‌دادند طوری که قصد آنان را، استفاده ابرازی می‌دانستند تا بتوانند استیلا خود را بر عموم حفظ نمایند (همان، ۴ جمادی‌الأول ۱۳۲۸، ش ۲۰۳، ۲). این تسلط برای رسول‌زاده نیز در دو حوزه مجلس و «تأمین معاش رنجبران» تعیین می‌شد که وی در صفحات پایانی رساله با قیاس پایگاه مردمی و تکامل‌گرایانه دموکرات‌ها آن را به انجام رساند (رسول‌زاده، ۱۳۲۸: ۸۱). زیرا در نگرش این فرقه، اعتدالیون به دنبال تقسیم مجلس یا «اطاق عالی» بودند تا بدان وسیله قدرت قانون‌گذار را کاهش، و به «جماعت رنج‌بر» ضربه زنند (ایران‌نو، سال اول، ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸، ش ۱۹۶، ۱). از سویی دیگر، اعتدالیون در مرام‌نامه‌ایشان چگونگی «رعایت احوال رنجبران و تسهیل طریق معیشت‌ایشان» را مشخص نکردند و این برای رسول‌زاده معنای «دو مجلسی» و عدم رعایت قاعده مساوات بود که اندیشه آنان را در حفاظت از «جیش‌شان و اقتدار ایشان» عیان می‌ساخت (رسول‌زاده، ۱۳۲۸: ۸۲). بر این اساس، در بخش سیاسی رساله، رسول‌زاده توانست با اثبات ناکارآمدی مرام‌نامه اعتدالیون مردم را با یک تقابل آشنا کند. اما در تمام نوشتار، قصد وی بیان مبارزه فرقه «دموکرات» با محافظه‌کاران مشروطه‌خواه بود که جهت حفظ ارتباط قدرت اقتصادی‌ایشان با مبادی حکومتی تلاش می‌کردند. مسئله‌ای که در مرام‌نامه دموکرات‌ها به صورت نابودی مناسبات ارباب‌رعیتی و شرط تکامل در ایران مطرح شد (مرام‌نامه فرقه‌سیاسی دموکرات‌ایران، ۱۳۲۹: ۴).

## ۵. نتیجه‌گیری

با پیدایش فرقه‌های سیاسی «اعتدالیون» و «دموکرات»، هر کدام برنامه‌هایی را برای نوسازی و تحول اقتصادی-اجتماعی ارائه کردند که موجب تقابل دیدگاه‌هایشان در این زمینه می‌شد. در نظر دموکرات‌ها، مرام‌نامه اعتدالیون به سبب کاستی‌ها و ضعف‌ها در حوزه تدوین قوانین

دچار مسائل فراوانی بود که از جمله آنان می‌توان، به عدم تعیین موضع‌ایشان برابر آزادی و مساوات اشاره کرد. دموکرات‌ها علت این موضوع را بنابر تأثیر نگرش‌های مارکسیستی اعضای فرقه به‌ویژه جریان اقلیت گروه "سوسیال‌دموکرات تبریز" هم‌چون پیلوسیان و ترهاکوپیان، در ساختار اقتصادی ایران می‌یافتند. زیرا با ارسال نامه‌های گروه مذکور به پلخانف و کائوتسکی، آنان فعالیت خود را در مبارزه با استبداد بسته به پیشرفت شیوه تولید و نیروهای کار می‌دیدند. چنان‌که رسول‌زاده نیز با گرایش‌های سوسیالیستی، این بینش را تا حدودی با مباحث ماتریالیسم تاریخی، در تحلیل روابط اقتصادی با مشارکت مردم در انقلاب تطبیق داد. این بررسی برای وی آشکار ساخت که شرایط عینی انقلاب همانند روابط استثمارگرایی ملاکان و اعتراض‌های دهقانی وجود دارد اما روستاییان از ماهیت مشروطیت آگاه نیستند و این تبدیل به حرکت منفعلانه آنان در انقلاب می‌شد. بنابراین، شرایط ذهنی برای نیروهای مولد ایران آماده نبود و این عامل در نظر رسول‌زاده از نادیده‌گرفتن این عنصر، توسط روشنفکران نشأت می‌گرفت. گواهی که قصد جناح اقلیت گروه تبریز در ترویج اندیشه‌های دموکراتیک افزایش آگاهی دهقانان بود که این موضوعی برای رسول‌زاده، در تدوین رساله «تنقید فرقه اعتدالیون» شد. در واقع، وی با استفاده از قالب تکامل‌گرایانه به ارتباط قدرت اقتصادی اشراف با مبادی سیاسی در نظام مشروطه پرداخت تا بدان‌وسیله، تلاش آنان را جهت حفظ منافع‌ایشان برای عموم توصیف نماید. این روند قبل از آن، در مقاله‌هایی از *ایران نو* تشریح می‌شد ولیکن با انتشار رساله رسول‌زاده در تبیین ناکارآمدی مرام‌نامه اعتدالیون و اثبات صحت اندیشه‌های فرقه دموکرات، از اثرگذاری بالایی بر جامعه برخوردار شد. چنان‌که جدا از افزایش آگاهی مردم برای پیدایش شرایط ذهنی، به‌نوعی از لزوم نابودی مناسبات ارباب‌رعیتی نیز اشاره داشت، تا هدف دموکرات‌ها در مرام‌نامه‌ایشان را مهر تأییدی زند.

## کتاب‌نامه

- اتحادیه، منصوره، (۱۳۶۱ الف)، مرام‌نامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی، تهران، نشر تاریخ ایران.
- همان، (۱۳۶۱ ب)، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت در مجلس اول و دوم مجلس شورای ملی، تهران، نشر گستره.
- آدمیت، فریدون، (۱۳۵۴)، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، تهران، انتشارات پیام.



- ارنست فیشر و فرانتس مارک، (۱۳۹۴)، مارکس چه می‌گوید؟، مترجم فیروز جاوید، تهران، نشر اختران.
- ایران‌نو، «نانش‌آزادی»، سال اول، شماره ۱۹، ۲۹ شعبان ۱۳۲۷، ص ۲
- همان، «مسئله مهم و قابل توجه»، شماره ۶۵، ۲۹ شوال ۱۳۲۷، ص ۱
- همان، «فرقه‌های پلتیکی»، شماره ۷۶، ۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۷، ص ۱
- همان، «فئودالیزم»، شماره ۱۰۲، ۱۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۷، ص ۲-۱
- همان، «فرقه‌های دست‌راست»، شماره ۱۹۵، ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸، ص ۱
- همان، «طرز حرکت فرقه‌های سمت‌راست»، شماره ۱۹۶، ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸، ص ۱
- همان، «اشکالات فرقه‌های دست‌چپ»، شماره ۲۰۰، ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸، ص ۲-۱
- همان، «تکامل»، شماره ۲۰۳، ۴ جمادی‌الأول ۱۳۲۸، ص ۲-۱
- همان، «بیانات شعبه پارلمانی فرقه دموکرات‌ایران»، شماره ۱۲۰، ۱۸ ربیع‌الأول ۱۳۲۹، ص ۱
- بشیریه، حسین، (۱۳۹۳)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، جلد دوم، تهران، نشر نی.
- همان، (۱۳۸۲)، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- پلخانف، گئورگی، (بی‌تا)، نقش شخصیت در تاریخ، مترجم خلیل ملکی، بی‌جا، انتشارات صدا.
- تقی‌زاده، حسن، (۱۳۸۵)، نامه‌های مشروطیت و مهاجرت، به‌کوشش ایرج افشار، تهران، نشر قطره.
- حسینی، فائزه السادات، (۱۳۹۷)، نقش محمدامین رسول‌زاده در مشروطیت ایران، تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی.
- خسروپناه، محمدحسین، «نقش ارمنیان در جنبش سوسیال‌دموکراسی ایرانیان»، فصلنامه زنده‌رود، ش ۱۷، ۱۳۷۹، ص ۱۴۳-۱۶۱.
- رسول‌زاده، محمدامین، (۱۳۷۷)، گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران، مترجم رحیم رئیس‌نیا، تهران، شیرازه.
- رحیم رئیس‌نیا و دیگران، (۱۳۸۹ الف)، مطبوعات در جهان اسلام، جلد دوم، تهران، نشر کتاب مرجع.
- همان، (۱۳۸۹ ب)، چپ و چپ‌گرایی در جهان اسلام، تهران، نشر کتاب مرجع.
- رواسانی، شاپور، (۱۳۶۳)، نهضت میرزا کوچک‌خان جنگلی و اولین جمهوری شورایی در ایران، تهران، چاپ آشنا.
- سویتو خوفسکی، تادیوس، (۱۳۸۱)، آذربایجان روسیه: شکل‌گیری هویت ملی در یک جامعه مسلمان، مترجم کاظم فیروزمند، تهران، شادگان.
- شاکری، خسرو، (۱۳۸۴)، پیشینه‌های اقتصادی-اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال‌دموکراسی در آن عهد، تهران، نشر اختران.
- شاکری و دیگران، (۱۳۸۴)، نقش ارامنه در سوسیال‌دموکراسی ایران (۱۹۰۵-۱۹۱۱)، به‌کوشش محمدحسین خسروپناه، تهران، نشر شیرازه.

لنین، ولادیمیر ایلیچ، (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر مارکس و انگلس به قلم لنین، مترجم فروزان گنجی‌زاده، تهران، نشر چشمه.

ملک‌زاده، مهدی، (۱۳۷۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد ششم، تهران، انتشارات علمی.

یزدانی، سهراب، (۱۳۹۲)، اجتماع‌یون‌عامیون، تهران، نشر نی.

همان، (۱۳۸۶)، صوراسرافیل: نامه آزادی، تهران، نشر نی.

همان، (۱۳۹۶)، کودتاهای ایران، تهران، نشر ماهی.

## پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله مأخوذ از پایان نامه نویسنده اصلی با عنوان «نقش محمدامین رسول‌زاده در مشروطیت ایران»، با راهنمایی دکتر میرهادی حسینی می‌باشد.
۲. مرانامه‌ها و نظامنامه‌های احزاب مجلس دوم در کتاب ذیل گردآوری شده است:  
اتحادیه، منصوره، (۱۳۶۱)، مرانامه‌ها و نظامنامه‌های احزاب احزاب سیاسی ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی، تهران: نشر تاریخ ایران.
۳. آدمیت، فریدون، (۱۳۵۴)، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، تهران، انتشارات پیام، ۱۱۵-۱۰۰؛ اتحادیه، منصوره، (۱۳۶۱)، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت در مجلس اول و دوم مجلس شورای ملی، تهران، نشر گستره، ۲۳۰-۲۳۲.
۴. بر خود لازم می‌دانم از رهنمودها و زحمات دکتر محمدحسین خسروپناه بسیار قدردانی و سپاسگزاری نمایم.
۵. ارامنه سوسیالیست تبریز در ۱۳۲۳ قمری، خبر محفل مطالعاتی خود را با ارسال نامه‌ای به گنورکی پلخانف مطلع ساختند و سپس در جمادی‌الثانی ۱۳۲۶، آرشاور چلنگریان در نامه‌ای پایه‌گذاری "گروه سوسیال‌دموکرات تبریز" را به کارل کائوتسکی خبر داد. (رواسانی، شاپور، ۱۳۶۳)، نهضت میرزا کوچک‌خان جنگلی و اولین جمهوری شورایی در ایران، تهران، چاپ آشنا، ۹۸؛ خسروپناه، محمدحسین، «نقش ارمنیان در جنبش سوسیال‌دموکراسی ایرانیان»، فصلنامه زنده‌رود، ش ۱۷، ۱۳۷۹، ۱۴۸-۱۴۹. ما نیز به سبب اهمیت فعالیت نظری و مشارکتی آنان در مشروطه و تأثیر در تأسیس فرقه دموکرات، این گروه را مورد بررسی قرار دادیم.
۶. بنیان‌گذار و مهم‌ترین رهبر فکری جنبش "سوسیال‌دموکراسی روسیه"  
۷. (۱۹۳۸-۱۸۵۴)، مارکسیست اتریشی و همکار فریدریش انگلس در لندن که انقلاب را پدیده‌ای ساختاری و نتیجه تضادهای درونی جامعه می‌پنداشت.
۸. ترجمه نامه‌های مذکور در بخش اسناد و مقاله‌های کتاب ذیل می‌باشد که :

ارزیابی فرقه‌دموکرات‌عامیون در مجلس دوم مشروطه در رساله ... ۱۹

- خسرو شاکری و دیگران، (۱۳۸۲)، نقش ارامنه در سوسیال‌دموکراسی ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۵)، به‌کوشش محمدحسین خسروپناه، تهران، شیرازه، ۱۱۶ تا ۷۵.
۹. ترجمه آنان از فرانسه به فارسی در کتاب نقش ارامنه در سوسیال‌دموکراسی ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۵)، ص ۵۱ تا ۵۶ می‌باشد.
۱۰. ترجمه بیشتر مقاله‌ها و گزارش‌های رسول‌زاده در کتاب ذیل می‌باشد:
- رسول‌زاده، محمدامین، (۱۳۷۷)، گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه رحیم رئیس‌نیا، تهران: شیرازه.
۱۱. در شش شماره از اکتبر ۱۹۰۴ تا فوریه ۱۹۰۵ م. منتشر شد.
۱۲. ارگان علنی سازمان و بخش ارمنی تشکیلات باکوی حزب سوسیال‌دموکرات روسیه (همان، ۱۳۷۷: ۱۷).
۱۳. پس از توقیف نشریه پیشین، "همت" روزنامه علنی دیگری بنام تکامل در سیزده شماره به تاریخ دسامبر ۱۹۰۶ تا آوریل ۱۹۰۷ م. انتشار داد که رسول‌زاده، سه شماره از آنرا سردبیر بود (حسینی، ۱۳۹۷: ۲۷).
۱۴. جانشین نشریه تکامل
۱۵. از ژانویه ۱۹۰۶ تا آوریل ۱۹۰۸ م. انتشار یافت.
۱۶. پس از توقیف ارشاد، این نشریه از آوریل ۱۹۰۸ تا ۱۹۰۹ م. توزیع می‌شد.
۱۷. مندرج در کتاب مرام‌نامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی.